

## ماهیت قوانین حقوقی

علی صابری

نام نویسنده مسئول:

علی صابری

### چکیده

استدلال‌های متفاوت در تدوین قوانین حقوقی وجود دارد شاخص‌هایی در قوانین هر کشوری حقوق فردی و اجتماعی را بر پایه نوع ساختار آن حکومت و اعتقادات دینی و مذهبی شکل می‌دهد ولی آنچه مفهوم و فلسفه حقوق است در حالت کلی تقریباً مشابه است. ساختارهای حقوقی باید طوری تدوین و اجرا شوند که افراد آن جامعه از حقوق تضعیف شده بهره نبرند نظام‌های قضایی باید در عمل به قوانین منصف و جدی باشند تفاوت نگذاشتن بین افراد در اجرای احکام حقوقی از موارد مهم در بحث حقوق می‌باشد. شاخه‌های مختلف علم حقوق چون حقوق فردی، حقوق اجتماعی، حقوق بین‌الملل و سایر زیر شاخه‌های آن، مفاهیمی هستند که باید از تمام جوانب بررسی شوند و چون با تغییر در ساختارهای جامعه که از رشد اجتماعی نشأت گرفته، باید ساختار قوانین حقوقی به گونه‌ای باشد که برطرف‌کننده مشکلات حقوقی افراد در عصر حاضر باشد تعریف جامع و کامل از حقوق مبتنی بر علم قضایی، حقوقی، دینی، جامعه‌شناسی، روانشناسی باشد تا تمامی ابعاد در تدوین دستورات حقوقی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قانون، حقوق، دین، فرد

## مقدمه

حقوق یعنی معین کردن سهم یک فرد در یک جامعه است که عدم رعایت آن توسط سایر افراد طبق قانون کشور جرم محسوب شود. اینکه افراد دارای چه حقوقی باشند و از چه راههایی باید مطالبه حق خود نمایند و میزان آزادی و اختیار افراد تا چه اندازه باشد یا اصولاً چه شیوه‌ای از ارائه حقوق به افراد میتواند تضمین یک جامعه سالم باشد دغدغه و هدف در مباحث حقوقی می‌باشد. اصولاً جامعه‌ای که افراد به حقوق فردی و اجتماعی احترام می‌گذارند جامعه‌ای امن و سالم است و هدف قوانین حقوقی هم امنیت و رفاه افراد و تأمین سلامت جامعه است. در هر جامعه‌ای به نسبت افرادی وجود دارند که از قوانین تخطی می‌کنند و به حقوق افراد تجاوز می‌کنند و سبب جرم و ناامنی در جامعه میشوند چون میزان جرم در جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت است و برخی کشورها شاید از لحاظ سلامتی جامعه در سطح بالایی باشند و برخی جوامع شرایط بدی در اجرای قوانین دارند. شرط آنکه بتوان قوانین حقوقی را به درستی اجرا کرد به طوری که بتواند در جامعه اثر گذار باشد باید به مفاهیم حقوقی از تمام ابعاد آن توجه نشان داده شود.

## ۱- بیان مساله

اینکه قوانین حقوقی یا درک درست از حقوق در معنای کلی آن چگونه میتواند امنیت جامعه و افراد را تضمین کند و چه شاخص‌هایی باید در مبانی حقوقی رعایت شود و اصولاً ریشه مسائل حقوقی از کجا نشأت می‌گیرد بسیاری از بحث‌ها در مسائل حقوقی بوده و هست و اختلاف نظرهایی در این زمینه وجود دارد شاید اگر قوانین حقوقی بتوانند ماهیت و مفهومی درست از فرد، جامعه، قانون، حق و سایر مفاهیم ارائه دهند بیشتر جرم‌ها در جامعه اتفاق نیفتد.

## ۲- طرح مساله

قوانین حقوقی شاخه‌های متفاوتی دارند مانند قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون خانواده، قانون تجارت، قانون کار، قانون مالیاتی و... را شامل میشود و هر کدام از این زیر مجموعه‌ها آیین‌نامه و دستورات خاص خود را دارند که بحث و تحلیل‌های مجزا میخواهد ولی بیان یک ساختار کلی برای قوانین که در تمام جنبه‌ها باید رعایت شود میتواند تقریباً به تمام موارد توجه نشان دهد برای رسیدن به موفقیت در قوانین حقوقی باید مفاهیمی کلی در امورات حقوقی به درستی بیان شوند و در کل تعریف درستی از حقوق و اهداف قوانین حقوقی ارائه شود زمانی از افراد و سیستم‌های جامعه میتوان توقع داشت که درست عمل کنند که ساختار قوانین درست و استاندارد باشد لذا بررسی ماهیت قوانین حقوقی به صورتی کلی در این زمینه تأثیر گذار می‌باشد.

## هدف قوانین حقوقی

بدیهی است که هدف قانون امنیت و اداره جامعه است و هر کشوری و هر نظام سیستمی یا اداری باید قوانین خاص خود را داشته باشد و همچنین بدیهی است که تخطی از اجرا و رعایت قوانین باید جرم محسوب شود و با مجرمان برخورد قانونی شود. و اگر بخواهیم این ساختارهای حقوقی را برای یک جامعه که دارای بخش‌های متفاوتی است اصولاً کار سختی است یعنی قوانین حقوقی اداره کننده جامعه هستند در حالت‌های متفاوت، اگر به بخش‌های از جامعه مثلاً قوانین بانکی بی‌توجهی نشان داده شود سایر ابعاد قوانین حقوقی چون قانون مالیاتی یا قانون گمرکی و... دچار اختلال میشود پس اولین هدف قوانین حقوقی باید جامع و کلی بودن آنها باشد یعنی قوانین حقوقی از تمامی جوانب بررسی شوند و دستورات حقوقی در آنها شفاف و موثر باشد. واضح بیان کردن قوانین مقوله مهمی در امور حقوقی است چون شک و شبهه داشتن یا گنگ و غیر قابل درک بودن قوانین باعث عدم پذیرش آن توسط افراد میشود و از جنبه‌ای دیگر قوانین باید بتوانند تأثیر بگذارند و عاملی بازدارنده باشند اگر چنین نفوذ و قدرتی در قوانین نباشد نقطه ضعف بزرگی برای ساختارهای قوانین حقوقی محسوب میشود و بدیهی است که افراد از اجرای قانون امتناع می‌کنند و جرم و جنایت در جامعه افزایش پیدا خواهد کرد و صرفاً با تکیه بر قوانین جزایی هم نمی‌توان جامعه را اصلاح کرد. باید با تکیه بر علم حقوق و قضا قوانین حقوقی در جامعه ایجاد کرد که گرایش افراد به جرم کاهش یابد و هر کس بتواند حقوق قانونی خود را داشته باشد.

## علت وقوع جرم توسط افراد

طبعاً وقوع جرم توسط افراد میتواند دلایل متفاوتی داشته باشد و اصلاً مقوله جرم شناسی بحثی بسیار گسترده‌ای دارد ولی در حالت کلی میتوان در دو حالت بررسی کرد یک اینکه ساختارهای ضعیف قوانین در یک کشور و دیگری مفاهیم روانشناسانه و روانکاوانه پیرامون ماهیت افراد. آموزش‌های اخلاقی و علمی به افراد و استاندارد سازی قوانین بر پایه استدلال‌های اصولی در وقوع جرم در جامعه جلوگیری

میکند. وقتی شیوه عمل قوانین حقوقی در بخش های مختلف به گونه ای باشد که افراد بتوانند از قوانین سرپیچی کنند و شیوه های جایگزین پیش روداشته باشند و محکومیت و مجازات سنگین برای مجرمان اتخاذ نشود مسیر برای عمل اینگونه افراد هموار خواهد شد و جرم و تخطی از قوانین افزایش پیدا خواهد کرد. در بیشتر مسائل مربوط به علت جرم، بیشتر علت پیدایش جرم در جامعه مورد بحث است یعنی خلاء های قانونی موجب ایجاد بسترهایی میشود که افراد گرایش به جرم پیدا کنند پس بهترین عمل برای برخورد با مجرمان، از بین بردن راههای وقوع جرم است بدیهی است این کار هم توسط قوانین مختلف حقوقی میسر خواهد شد قوانین یک نظم دهنده و کنترل کننده در نظام های اجتماعی محسوب میشوند و البته اگر به شیوه ای کارشناسانه طراحی و اجرا شوند چون در همه کشورها قوانینی خاص وجود دارد ولی علت اینکه میزان جرایم در کشورها متفاوت است به شیوه قانونگذاری و ماهیت قوانین بر می گردد و همچنین مجازات هایی که برای تخطی کننده گان از قانون وضع شده است.

### نقش مسائل دینی در قوانین حقوقی

مفاهیم و دستورات دینی در کشورهایی که نوع سیستم حکومتی آنها دینی و اسلامی است از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار هستند و همین تاثیر و اعتقاد میتواند عاملی بازدارنده باشد در وقوع جرم و همچنین در ساختارهای قوانین نیز میتواند نقش داشته باشد. اینکه مفاهیم دینی در قوانین دخیل باشند امری پسندیده است و لازم، چرا که ساختار قوانین و دامنه عمل قوانین بر روی افراد و جامعه است قطعاً اگر قوانین پایه ای اعتقادی و فرهنگی داشته باشند بیشتر تاثیر خواهند گذاشت و از سویی دیگر هم اگر افراد فرامین دینی را یاد بگیرند و آنها را در زندگی شخصی اجرا کنند خود عاملی در کاهش جرایم و حفظ امنیت جامعه می باشد وظیفه ای که نظام ها و نهادهای حکومتی و قضایی دارند این است که باید زمینه برای آموزش مسائل دینی برای افراد فراهم شود بسیاری از آموزشهای اجتماعی و تربیتی در دستورات دین اسلام به درستی بیان شده اند مفاهیمی چون رعایت حقوق دیگران، آسیب نرساندن به دیگران، گرایشات دنیوی نداشتن و احترام به کرامت و ذات انسانی و ... پس اگر این مفاهیم درست آموزش داده شود افراد تعریف درستی از زندگی پیدا خواهند کرد باعث تنویر افکار میشود پس اقدامی که در راستای شکل دادن به قوانین حقوقی با تکیه بر دستورات دینی میتوان انجام داد آموزش و ایجاد فضاهای دینی در جامعه میباشد اصولاً مردمی که با مفاهیم درست دینی آموزش دیده باشند گرایش به جرم در آن جامعه کاهش می یابد و قوانین ساختاری قابل پذیرتر برای افراد پیدا خواهند کرد البته بخشی از این قوانین میتواند با دستورات دینی بیان شود بدیهی است که در سایر جنبه ها دیگر قوانین حقوقی باید از علوم حقوقی و قضایی متناسب با رشد و تغییرات جامعه بهره برد.

### قوانین حقوقی در فضای مجازی

در برخی موارد یا جرایم که در عصر حاضر با ورود تکنولوژی در روابط و خدمات اجتماعی ایجاد شده، باید از دانش حقوقی و مدیریتی نوین بهره برد. چون فضای مجازی بخش وسیع از روند زندگی را دچار تحول کرده است و بعضی قوانین گذشته نمی توانند در این حوزه به شیوه ای درست عمل کنند و نیازمند دانشی لازم در عرصه تکنولوژی فضای مجازی می باشند. البته در کشور ما بخشی از این وظیفه توسط پلیس فتا انجام میشود اگر قوانین در این زمینه دارای نارسایی ها و کاستی هایی هستند باید توسط کارشناسان متخصص این قوانین مورد بازبینی قرار داده شوند بدیهی است کاهش جرایم در یک حوزه خاص از یک بعد به قوانین قضایی و حقوقی مربوط میشود که در این زمینه تدوین و اجرا شده است.

### همسویی قوانین حقوقی با استانداردهای حقوق بین الملل

اینکه هر کشوری می تواند قانون خاص خود را داشته باشد امری طبیعی است ولی چون هر کشور در ارتباط با سایر کشورها است از لحاظ تجارت، گردشگری، تحصیل و ... لذا باید ساختار قوانین در ارتباطات بین المللی باید به شیوه ای باشد که اقتصاد، امنیت نظامی و سایر ابعاد بین المللی روابط دچار آسیب نشوند و بتوان در ارتباط با کشورها بدون قوانین دست و پا گیر به شیوه ای هوشمندانه عمل کرد. از سویی دیگر اگر ساختار قوانین در کشور با هدف امنیت و ارتقای سطح علمی و فرهنگی کشور باشد و در این زمینه به درستی عمل کند کشور دارای قدرت و نفوذ هم در عرصه بین المللی میشود و میتواند در تبادلات بین المللی موفق شود. قوانین حقوقی در کشور ایران دارای زیر مجموعه هایی است که هر کدام دارای دستورات آئین نامه ها و تبصره خاص خود می باشند که بخشی کلی از آنها بیان میشود:

- ۱- قانون اساسی ۲- قانون مدنی ۳- آیین دادرسی مدنی ۴- قانون مجازات اسلامی ۵- آیین دادرسی کیفری ۶- قانون صدور چک
- ۷- قانون روابط موجر و مستاجر ۸- قانون ثبت ۹- قانون خانواده ۱۰- قانون تمک آپارتمان ۱۱- قانون تجارت ۱۲- قانون امور حسبی ۱۳-

قانون شوراهاى حل اختلاف ۱۴- قانون رسيدگى به تخلفات ادارى ۱۵- قانون ديوان عدالت ادارى ۱۶- قانون شهرداريها ۱۷- قانون ثبت احوال و کارت ملي ۱۸- قانون كار ۱۹- قانون سپاه پاسداران ۲۰- قانون تامين اجتماعى و بيمه بىكارى ۲۱- قانون تعزيرات حكومتي ۲۲- قانون تعزيرات بهداشتى ۲۳- قانون مبارزه با مواد مخدر ۲۴- قانون گمركى ۲۵- قانون مجازات نيروهاى مسلح ۲۶- قانون اموال تمليكى ۲۷- قانون نيروى انتظامى ۲۸- قانون مالياتى ۲۹- قانون نحوه اجراء محكوميتهاى مالى ۳۰- قانون اجراء احكام مدنى ۳۱- قانون زمين شهرى ۳۲- قانون نظارت بر رفتار قضات ۳۳- قانون ثبت شركتها ۳۴- قانون ثبت علايم ۳۵- قانون ثبت اختراع ...

### بحث و نتیجه گیری

قوانین حقوقی که دارای بخش های مختلفی هستند و هر کدام از این بخش های دارای آیین نامه و دستوراتی هستند اصولاً برای اینکه به همه این بخش ها توجه نشان داده شود و ساختارهای اصولی و کارشناسانه در بطن این بخش های قوانین حقوقی تدوین و اجرا شود نیازمند آشنایی با دانش قضایی و حقوقی هستیم . حقوق مفهومی گسترده دارد و میشود تعریف های متفاوتی از آن ارائه داد ولی درست آن است که شرایطی برای تدوین قوانین اتخاذ شود که هم باعث امنیت در جامعه شود و هم از گرایش افراد به جرایم جلوگیری کند .

## منابع و مراجع

[۱] ع. صابری، حقوق و آزادیهای فردی، اولین کنفرانس بین المللی حقوق و علوم جزای اسلامی، تهران، اسفند ۱۳۹۵